

تاریخ دارالشفای آستان قدس رضوی

از دوره صفوی تا پایان دوره قاجاریه
به روایت اسناد

مقدمه

دکتر محمد مهدی اصفهانی

تالیف

سالم حسین زاده سورشجانی

سرشناسه	حسین زاده سورشجانی، سالم، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	تاریخ دارالشفای آستان قدس رضوی: از دوره صفویه تا پایان دوره قاجاریه به روایت اسناد/ تالیف سالم حسین زاده سورشجانی؛ با مقدمه محمدمهدی اصفهانی؛ [برای] دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت دانشجویی و فرهنگی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۳۹۸ ص.: مصور (رنگی)، جدول، نمونه.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۴۰۳۰-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۳۷۹] - ۳۸۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	نماینه.
موضوع	آستان قدس رضوی. دارالشفای
موضوع	بیمارستان‌ها -- ایران -- مشهد -- تاریخ
موضوع	Hospitals -- Iran -- Mashhad -- History
شناسنامه افزوده	اصفهانی، محمدمهدی، ۱۳۲۴ -، مقدمه‌نویس
شناسنامه افزوده	دانشگاه آزاد اسلامی. واحد مشهد
شناسنامه افزوده	دانشگاه آزاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات
شناسنامه افزوده	دانشگاه آزاد اسلامی. معاونت دانشجویی و فرهنگی
رده بندی کنگره	۱۲۹۵ م ۹۴ الف / RA۹۹۰
رده بندی دیویی	۳۶۲/۱۱۰۰۵۸۸۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۲۱۹۶۹

تاریخ دارالشفای آستان قدس رضوی از دوره صفوی تا پایان دوره قاجاریه

به روایت اسناد

تالیف: سالم حسین زاده سورشجانی

چاپ اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۸۰۰۰۰ ریال

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

ناشر: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی (با همکاری معاونت دانشجویی و فرهنگی)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۴۰۳۰-۹



کلیه حقوق این اثر متعلق به معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد. این کتاب با حمایت مالی دانشگاه در قالب طرح های فرهنگی ماندگار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج و به مناسبت برگزاری همایش ملی تاریخ پزشکی در تمدن اسلام و ایران در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، انتشار یافته است.

سخن دبیر همایش

از زمان پیشنهاد برگزاری همایش ملی تاریخ پزشکی در تمدن اسلام و ایران از طرف کمیته تاریخ و فرهنگ و تمدن و شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست جناب آقای دکتر ولایتی به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد ابلاغ گردید. رایزنی های متعدد با اساتید برجسته این حوزه انجام شد. طی چندین جلسه در تهران و مشهد محورهای ده گانه همایش با تکیه بر خراسان مشخص گردید. اعضای هیات علمی و اجرایی همایش انتخاب، و زمینه های لازم برای تهیه سایت و اطلاع رسانی کافی به کلیه مراکز فرهنگی و آموزشی کشور انجام گردید. تعداد زیادی پایان نامه کارشناسی ارشد در گروه تاریخ و تمدن مال اسلامی دانشکده الهیات و علوم انسانی در زمینه تاریخ پزشکی مدون گردیده بود. با وجود ارزشمندی و قابلیت چاپ تعدادی از این پایان نامه ها، دو پایان نامه با عناوین تاریخ دارالشفاي آستان قدس رضوی و تاریخ پزشکی نوین مشهد که ارتباط مستقیمی با همایش مزبور داشت انتخاب و جهت چاپ در دستور کار قرار گرفت. هم چنین بیش از هفتاد مقاله به دبیرخانه همایش ارسال و مورد داوری اعضای هیئت علمی قرار گرفت که ۱۵ مقاله برتر انتخاب، طی روزهای برگزاری همایش به صورت سخنرانی ارائه خواهد شد. و بقیه مقالات در قالب پوستر ارائه می شوند.

از ریاست محترم کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران و ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی جناب آقای دکتر ولایتی و نیز جناب آقای حاجت الاسلام و مسلمین سید طه هاشمی معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر عباس شیخ الاسلام ریاست دانشگاه آزاد اسلامی خراسان رضوی، دکتر اسماعیلی مدیر کل فرهنگی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی و جناب آقای محمد هادی زاهدی ریاست سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اعضای علمی همایش؛ دکتر قاسملو، دکتر منوری، دکتر طاهره عظیم زاده تهرانی، و خانم دکتر فاطمه مخبر دزفولی، و هم چنین از اعضای اجرایی همایش تقدیر و تشکر می نمایم. از کلیه نهادهای عالی و آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، دانشکده طب سنتی و مکمل مشهد، سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی و مدیریت محترم امور اسناد و مطبوعات سازمان مذکور آقای دکتر حسن آبادی و سالم حسین زاده سورشجانی سرپرست اداره اسناد و غلامرضا آذری خاکستر که ما را در برگزاری این همایش یاری نمودند سپاسگزارم.

حسین پیمانی زاد؛ معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

سید حسین محتشمی؛ دبیر اجرایی همایش

فهرست مطالب

۱۱	سخن ناشر.....
۱۳	پیشگفتار.....
۱۵	مقدمه.....
۲۳	صبا، اول دارالشفاء، بیمارستان و پزشکی در ایران از اسلام تا دوره صفویه.....
۲۷	بیمارستان در اسلام قبل از صفویه.....
۳۲	پزشکی، دارالشفاء و بیمارستان در دوره صفویه.....
۴۰	پزشکان معروف در عصر صفویه.....
۴۴	حکیم عمادالدین محمد شیرازی.....
۵۱	مراکز درمانی ایران در دوره صفویه.....
۵۶	مشهد در عصر صفویه.....
۵۹	فصل دوم تاریخچه شکل گیری دارالشفای حرم امام رضا (ع).....
۶۴	اسناد دارالشفاء در دوره صفویه.....
۷۰	طبابت در دارالشفاء.....
۷۳	ماخضان دارالشفاء.....
۷۵	تشکیلات دارالشفای حرم امام رضا (ع) در عصر صفویه.....
۷۷	صاحب جمعان یا شربت داران شربتخانه.....
۷۹	عملکرد شربتخانه.....
۷۹	بخش اول: پذیرایی معمولی و مناسبتی.....
۸۱	بخش دوم خدمات بیمارخانه یا مریض خانه.....
۸۲	اغذیه و ادویه بیماران.....
۸۵	در و خانه، عصارخانه.....
۸۹	معد غذایی در دارالشفاء.....
۹۰	نسخه های یک روز دارالشفاء.....
۹۳	کارکنان دارالشفاء.....

۱۱۳	حکما و اطباء دارالشفاء
۱۲۱	بیمارداران یا پرستاران دارالشفاء
۱۲۴	جراحان دارالشفاء
۱۲۷	معرفی دو سند از جراح
۱۳۳	عزبان دارالشفاء
۱۳۴	ناظران دارالشفاء
۱۳۷	سایر کارکنان دارالشفاء
۱۳۸	ساخت نفقه‌خانه در دارالشفاء
۱۴۱	دلاکت لمانی دارالشفاء
۱۴۲	عذری و عذر دارالشفاء
۱۴۲	خدمات ویژه
۱۴۳	همراهی با بیماران
۱۴۳	البسه و پوشاک بیمار
۱۴۸	منابع تأمین مخارج دارالشفاء

فصل سوم دارالشفای حرم در عصر افشاریه

۱۵۷	مشهد در عصر افشاریه
۱۵۹	بررسی اسناد آستان قدس رضوی در دوره افشاریه
۱۶۳	تشکیلات دارالشفاء
۱۶۴	اطباء دارالشفاء
۱۶۷	ناظران دارالشفاء
۱۷۱	سایر کارکنان دارالشفاء
۱۷۷	منابع درآمد (موقوفات) دارالشفاء حرم رضوی در عصر افشاریه
۱۸۱	چند دهه خلاء در اسناد آستان قدس ۱۱۸۰ تا ۱۲۴۰

فصل چهارم دارالشفای حرم رضوی در دوره قاجاریه

۱۸۷	مشهد در دوره قاجاریه
۱۸۹	شیوع بیماری‌های مسری در دوره قاجاریه
۱۹۲	وضعیت بهداشتی شهر مشهد در دوره قاجاریه
۱۹۳	سیر تاریخی دارالشفاء (۱۲۴۷ تا ۱۳۲۸ ق.)
۱۹۶	میرزا محمد علی حسینی
۱۹۹	

۱۹۹	میرزا موسی خان فراهانی ۱۲۴۷-۱۲۶۲ق.
۲۰۳	میرزا جعفر خان مشیرالدوله (۱۲۷۷-۱۲۸۰)ق.
۲۰۳	انتقال و توسعه دارالشفاء به بالا خیابان
۲۱۲	وضعیت عمومی دارالشفاء از به نقل از منابع تاریخی
۲۳۴	سیر تاریخی دارالشفاء (از انقلاب مشروطه تا پایان دوره قاجاریه)
۲۳۵	لایحه ارسالی از مشهد به رئیس الوزراء
۲۵۰	دستور العمل قانونی موضوعه آستانه متبرکه رضویه
۲۵۱	وزارت معارف و اوقاف؛ اصلاحات در دارالشفاء آستانه
۲۵۹	بازسازی ساختمان دارالشفاء توسط دکتر امیر اعلم: ۱۳۳۶قمری
۲۶۰	اقدامات دکتر امیر اعلم در مشهد
۲۶۱	بازدید از دارالشفاء و اصلاحات ساختمانی و اساسی آن
۲۶۷	تدوین نظام‌نامه‌های مربوط به دارالشفاء جرسه
۲۶۸	نظام‌نامه غایدات داخلی دارالشفاء
۲۷۰	نظام‌نامه داخلی دارالشفاء
۲۷۷	نظام‌نامه کلی دارالشفاء
۲۸۲	تفکیک موقوفات دارالشفاء از آستانه
۲۸۵	افتتاح ساختمان دارالشفای جدید
۲۹۵	مشکلات دارالشفاء
۲۹۵	طبابت یا وصول مال الاجاره
۳۰۱	اختطارید برای از مرضی - دارالشفاء یا فقیر خانه
۳۰۹	میرزا ابوطالب رضوی رئیس دفتر و مشکلات تفکیک موقوفات
۳۱۶	واگذاری اداره دارالمجانین و مجذومین به بلدیة
۳۱۷	خرید اولین لابراتوار برای دارالشفاء
۳۱۸	جشن دومین سال افتتاح دارالشفاء در جراید
۳۱۸	معرفی برخی از موقوفات مرتبط با دارالشفاء در دوره قاجاریه
۳۲۱	دار و خانه دارالشفاء
۳۳۱	معرفی بیماری‌ها بر اساس استاد پزشکی دارالشفاء
۳۳۱	اطباء دارالشفاء در دوره قاجاریه
۳۳۵	ناظرین دارالشفاء

۹	در بیان دارالشفاء
۹	جراحان دارالشفاء
۰	کحلان دارالشفاء
۰	بیماران دارالشفاء
۱	عطاران دارالشفاء
۲	سایر کارکنان دارالشفاء
۲	کنیز و فقی دارالشفاء
۳	محکمه‌های دارالشفاء
۸	کتاب‌های موجود در دارالشفاء
۸	افزایش تدریجی کارکنان دارالشفاء و مقایسه اسناد حقوقی آنها
۸	نتیجه‌گیری
۹	منابع
۱	نمایه

سخن ناشر

آغاز تاریخچه پزشکی ایران به دوران قبل از اسلام باز می گردد. پارت ها در زادگاه خودشان در مناطق خوارزم از وجود پزشکی به نام تربتا استفاده میکردند. در منابع تاریخی کهن از وی با نام پزشک و جراح نام برده شده است. پزشکان دوران کهن از خواص دارویی گیاهان مختلف نیز آگاهی داشته اند. در نوشته های قدیم مانند یسنا از تربتا به عنوان سومین نامور که گیاهان را فشرده و عصاره آن را به دست آورده نام برده شده است. وی در منطقه هندوستان نیز شناخته شده است. در کتب هندی از پزشک آریایی دیگری به نام نامیما در ناحیه آریاوا نام برده شده است. به نظر می رسد بقراط (۴۶۰-۳۵۵ قبل از میلاد) اولین کسی بوده که تاریخ طب را به صورت منظم و مدون ارائه نموده است و آن را از سحر و جادو جدا نموده است. پس از ری - الینوس (۱۲۹ تا ۱۹۹ میلادی) به علم تشریح پرداخته و مدرسه ای برای تشریح ایجاد نموده است. دکتر نجم آبادی در تاریخ طب ایران معتقد است که مکتب طبی زرتشتی بسیار قدیمی تر از مکتب یونانی است. به هر حال اتفاق نظر خاصی در مورد مبداء تاریخ طب مزاجی وجود ندارد. الگویی معتقد است که ایرانیان اصول طب را به یونانیان تعلیم داده اند. یونانیان هم خودشان فروع طب را به چهارگانه را یک فرضیه بیگانه می دانستند و آن را ایرانی می نامیدند. در قرن چهارم میلادی مدم و حتی اطبای اروپایی روش بنا نهاده توسط سقراط و جالینوس را رها کرده و برای معالجه درمان بیماری ها به سحر و جادو متوسل شدند. در ایران در مدرسه جندی شاپور با ترجمه آثار مهم نویسندگان یونانی و کمک دانشمندان ایرانی طب یونانی دوباره شکوفا شد. بعد از اسلام نیز با شکوفایی نهضت ترجمه کتب طبی یونان و ایران (توسط خاندان ماسویه طبیب)، دانشمندان بزرگی از جمله زکریای رازی و ابن سینا ظهور کردند. پیشرفت های علمی سریع مسلمانان موجب شگفتی جهانیان شده بود. در اروپا در این زمان شرایط متفاوت بود. در اروپا نقاط بیمارستانی کمی وجود داشت. شیوه های درمانی مرسوم نشده بود، در حالی که در قلمرو اسلام بیمارستان های مختلف با تخصص های متفاوت وجود داشت. بیمارستان ها

دارای سالن کتابخانه و سالن تدریس و تشریح و داروخانه به صورت مجزا بودند. در دوران پیش از رنسانس اروپا تحت فرمان کلیسا اداره می شد.

اروپائیان گرفتار اوهام و خرافات بودند، با فتح شهر های مسلمانان توسط مسیحیان آثار علم و فن آوری و تمدن مسلمانان موجب شگفتی اروپائیان شد و زمینه سازی لازم برای رنسانس اروپا فراهم شد. در طی دوران رنسانس کتابهای دانشمندان مسلمان به زبان های اروپایی ترجمه شد. کتاب قانون ابن سینا متداولترین کتاب طبی در اروپا شد. استفاده از کتب ابن سینا و سایر دانشمندان ایرانی مانند رازی و علی ابن عباس معجوسی و ربن طبری با توشیح و تفسیرهای فراوان در ممالک اسلامی و دول اروپایی ادامه یافت. در قرون بعد با وجود حکم ابن سينا و سابر مانند اسماعیل جرجانی صاحب کتاب ذخیره خوارزمشاهی و بهاءالدوله رازی صاحب خلاصه التجارب و حکیم عمادالدین محمود شیرازی صاحب رسالات متعدد پزشکی حدیث عصر صفوی، این نهضت در طبابت ادامه یافت. در اواخر دوره قاجاریه مسئله تهیه و تالیف داروهای شیمیایی به کشورهای مختلف جهان رخ داد و طب شیمیایی در مقابل طب مزاجی قرار گرفت. آثار و فعالیت های مختلف پزشکی ایران را می توان در کتب تاریخ طبی مولانی، دند دکتر نجم آبادی دکتر تاج بخش دکتر هدایتی و آقای روستایی و سیریل الگود و غیره ملاحظه نمود. آن چه که در کتاب ذیل از نظر خوانندگان گرامی میگذرد استفاده علمی و عملی علم طب در یک مرکز درمانی وقفی بزرگ در مشهد و در جوار بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام می باشد که با استفاده از منابع آرشیوی موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی به رشته تحریر در آمده است. منابع مستند استفاده شده در این اثر برای اولین بار معرفی، و باعث وثاقت علمی آن شده است. منابع و اسناد موجود در این کتاب زوایای کمتر شناخته شده از تاریخ پزشکی ایران را به تصویر کشیده شده که در سایر منابع کمتر به آن توجه شده است.

سید طه هاشمی

معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی

پیشگفتار

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ^۱

عشق و ارادت اهل ایمان و گوش جان سپردن به پیام آسمانی مودت خاندان رسالت، از دیرباز تاکنون میلیون‌ها انسان پاک‌نهاد را به آستان‌بوسی و تجدید پیمان با مقام عظمای ولایت - حضرت ثامن الحجج از سرزمین‌های دور و نزدیک به سرمنزله محبوب فراخوانده و این درگاه پر خیر و صفا و خاستگاه مشرق نور، همواره همچون مغناطیسی پرتوان، دل‌های بسیاری را جذب و به آزار خویش ساخته است که سر از پای نشاخته و بی اعتنا به رنج‌ها و دشواری‌های سیر، به پیروی جاذبه و محبت و انگیزه اظهار ادب و ارادت به سوی سرچشمه مهر شتافته‌اند. حرکت معنوی و مادی تشریف و توسل به آستان شمس الشمس، از گذشته‌های دور تا به امروز به گره‌های سخت از مشکلات طاقت فرسا را گشوده و چه غم‌ها از دل‌های شکسته زدوده و به آسایش و حاجت‌ها را سخاوتمندانه روا کرده است و هنوز درهای رحمت و شفقت آن امام زکرف، برای استقبال از عاشقان و دردمندان و مددخواهان باز است تا آدمیان، تجلی رحمانیت و رحمت ذات بی‌چون خداوندی را در میهمان سرای ولایت و امامت با تمام وجود خود احساس کنند و سبکبار و سبکبال با دل‌هائی تطهیر یافته از ناشایستگی‌ها و صفا یافته از معنویات، با دردهای تسکین یافته و آرزوهای به بار نشسته، به خانه و سرزمین خویش بازگردند.

خدمت به زائران و مجاوران این آستان مقدس به عنوان اظهار دلسترده به محبوب و جلب رضای صاحب خانه مهربان، افتخار بزرگی است که در طول صدها سال در اشکال گوناگون چون اهداء و وقف داشته‌های خویش و تأمین خدمات مختلف بصورت مستقیم یا غیر مستقیم، ظهور یافته است. در این عرصه عشق‌بازی، عالی و دانی، غنی و درویش هر یک به گونه ای نام خویش را در دفتر عشق ثبت کرده‌اند از آن جمله تأسیس و اداره امور دارالشفای آستان مقدس رضوی به منظور تسکین آلام و رفع اسقام و بازتوانی رنجوران

است که اگرچه به ظاهر سابقه‌ای افزون بر چهار قرن دارد اما بدون شک، اشکال ابتدائی و غیر تشکیلاتی آن، قدمتی به مراتب بیش از این داشته است. بهر حال نخوانده و نشنیده و نه یافته ایم که به جز این، یک نهاد صحتی و پزشکی وابسته به پرستشگاه و زیارتگاهی، به رغم آشفته‌گی‌های تاریخی، خدماتی مستمر به درازای افزون بر چهارصد سال را بطور پیوسته و بلا انقطاع تجربه کرده باشد چنانکه بیمارستان امام رضا (ع) و بیمارستان فوق تخصصی رازی امروز امتداد و استمرار همان دارالشفای ساده و بی پیرایه گذشته‌های دور است که سبک بنای نخستین آن را ارادت و سرسپردگی به محبوب و خدمت به عاشقان معشوق نهاده است. دارالهای آستان قدس از آغاز تأسیس رسمی تا استمرار خدمت در قالب بیمارستان‌ها، پیشرفت رویدادهای تلخ و شیرین بسیاری را آزموده و پشت سر نهاده است که خود به عنوان بخشی از تاریخ پزشکی ایران جای تحقیق و تتبع فراوان دارد. این پژوهش نه فقط به لحاظ تحولات سیاسی و تاریخی، بلکه در حد خود در بررسی تطورات طبی، گذر پزشکی ایرانی به پزشکی فرهنگی و نه، ساختار اداری، علمی، چگونگی رویارویی با مشکلات سلامت، درمان بیماری‌های شایع در هر دوره، نکته‌ها و یافتنی‌های فراوان دارد.

کار بسیار ارزشمند و پرمایه محقق فرزانه، جناب آقای سالم حسین زاده سورشجانی در تألیف کتاب «تاریخ دارالشفای آستان قدس رضوی» با تحقیق علمی در صدها سند به جای مانده و رمزگشایی و بازخوانی محتوای آنها و نیز منابع متنوع دیگر در قالب کتابی مستند و منسجم، فرصتی مناسب برای پژوهشگران این عرصه فراهم کرده است. مطالعه و ژرفنگری در این اثر گرانسنگ که با قلمی بی تکلف و بیانی دلنشین، نگارش یافته اهمیت کار انجام شده را نشان می‌دهد. اینجانب در جایگاه یک خدمتگزار کوچک فرهنگ و میراث پزشکی اسلامی و ایرانی، به سهم خود ضمن ارج نهادن بر این کار شایسته، برای محقق و مؤلف فرهیخته آن از درگاه قدس ربوبی، مزید توفیقات و فزونی برکات مسألت می‌نمایم.

تهران ۲۹ آبان ۱۳۹۳

دکتر محمد مهدی اصفهانی

مقدمه

در جوار حرم برخی از ائمه اطهار و آرامگاه بعضی از بزرگان شفاخانه‌ای هم دایر بوده است که برخی از آن روزها در فاصله کمی از رونق افتاده و برخی هنوز فعالیت‌شان ادامه دارد. به نظر می‌رسد که قدیمی‌ترین دارالشفای ایران، که پس از چند قرن هنوز فعالیت آن ادامه دارد، دارالشفای حرم مطهر رضوی است. این دارالشفاء در کنار بارگاه امام رضا(ع) بنا شده است. اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد که دارالشفاء بیش از پنج قرن سابقه درمداوا و درمان بیماران یافته‌اند. از زمانی که نهاد وقف در جهان اسلام پایه‌گذاری شد، برخی از واقفان به سلامت شفا بیماران اهمیت داده، و از موقوفات خود وجوهی را به این امر اختصاص داده‌اند.

دارالشفاء در ابتدا زیر مجموعه یکی از وزارتات حرم مطهر به نام شربتخانه بوده است. شربتخانه نیز دو وظیفه عمده خدمت‌رسانی به مجموعه کارکنان و زائران حرم رضوی را انجام می‌داده است. در اصطلاح امروزی تأمین امکانات رفاهی و درمانی کارکنان و زائران توسط شربتخانه انجام می‌شده است. در این پژوهش به دنبال پاسخ چند سؤال اساسی هستیم. این که تاریخ شربتخانه و بیمارخانه زیر مجموعه آن به چه زمانی برمی‌گردد؟ چه عواملی باعث ایجاد چنین مکانی در حرم مطهر رضوی شده است؟ از نظر تشکیلاتی، اداری و مالی، حقوقی و اقتصادی، دارو و درمان در دوره‌های صفویه، افشاریه و قاجاریه - نچولاتی در شربتخانه و دارالشفای حرم رضوی رخ داده است؟ و سؤالات فرعی دیگری مانند:

۱. چه نوع فعالیت‌هایی در این مکان انجام می‌شده است؟
۲. چه کسانی در این مجموعه مشغول به کار بوده، مشاغل و مناصب آنها چه بوده است؟
۳. وظیفه هر کدام از کارکنان این مجموعه چه بوده، و شرایط احراز شغل به چه ترتیبی بوده است؟
۴. میزان حقوق و مزایای آنها چقدر، و بر چه اساسی پرداخت می‌شده است؟

۵. دارو و غذاهایی که به بیماران داده می‌شده چه بوده، و چگونه تأمین می‌شده است؟

۶. مخارج مختلف این مکان از چه جایی تأمین می‌شده است؟

۷. افراد تأثیرگذار از نظر قوت یا ضعف در مجموعه دارالشفاء چه کسانی بوده‌اند؟

۸. روند رشد و توسعه و یا ضعف مجموعه در طول دوره‌های صفویه، افشاریه و قاجاریه

چگونه بوده است؟

گمان می‌رود که دارالشفای آستان قدس رضوی (بیمارخانه) از نظر تشکیلات اداری و مالی تا نزدیک به اواخر دوره صفویه در زیر مجموعه شربتخانه بسیار فعال بوده، و پس از جدایی از شربتخانه، در دوره افشاریه نیز روند رو به رشد خود را ادامه داده است. در دوره قاجاریه نیز سبب به دوره‌های صفویه و افشاریه رشد قابل توجهی داشته و از ساختار مفصل و پیچیده‌ای برخوردار شده است. توجه واقفان بزرگ به هزینه‌های گوناگون حرم مطهر و افزایش میزان موقوفات آستان قدس رضوی از یک طرف و سوء استفاده متولیان و حاکمان درباری دوره قاجاریه (حدود ده هشتم قرن سیزدهم ق. به بعد ۱۲۷۰) باعث حیف و میل اموال موقوفه، به خصوص در دارالشفاء شده است. هر چند که به تعداد پزشکان و کارکنان در دارالشفاء افزوده شده است. و نظر علمی و پزشکی در اواخر همین قرن، استفاده از پزشکی نوین و داروهای شیمیایی در کار طب سنتی به تدریج بیشتر شده است. دارالشفاء از نظر تجهیزات فنی نیز در اواخر دوره قاجاریه با مساعدت اشخاصی چون دکتر امیر اعلم پیشرفت قابل توجهی داشته است.

با شکل‌گیری مراکز آرشویی در کشور، در طول سه دهه اخیر، فعالیت‌های پژوهشی با تکیه بر اسناد، افزایش پیدا کرده است. یکی از این مراکز مجموعه مدیریت اسناد آستان قدس رضوی است. در این مرکز، تعداد شصت و نه هزار برگ از دوره صفویه و بیش از سی هزار برگ از دوره افشاریه، و بیش از سیصد هزار برگ از دوره قاجاریه، اسناد و مدارک مربوط به مجموعه اماکن متبرکه رضوی نگهداری می‌شود. از این تعداد بالغ بر ده هزار برگ آن، مربوط به دارالشفاء است که تا دو دهه پیش ناشناخته بود. وجود این اسناد به عنوان منابع دست اول باعث انگیزه در تحقیق حاضر گردید. با توجه به وجود این اسناد

بسیاری از گفته‌های مستشرقان که با کنایه، یا با مقایسه و یا به علت بی‌اطلاعی از مراکز پزشکی ایران، این مکان‌ها را دارالمَرگ توصیف می‌نمایند، مورد انتقاد قرار می‌گیرد. هر چند که در طول تاریخ، بنابه دلایل مختلفی از جمله؛ هیجان‌های عمومی و یا سوء استفاده برخی از اشخاص نقاط ضعفی هم وجود داشته است. به هر حال دگرگونی‌های زیاد و پیشرفت‌های بنیادی جامعه بشری در قرون اخیر، انسان امروزی را از دستاوردهای علمی گذشته بی‌نیاز نمی‌سازد و باعث کوچک شمردن تلاش‌های پیشینیان نخواهد شد. و به جرئت می‌توان گفت بسیاری از روش‌های پزشکی امروز که برای رهایی بدن و جان آدمیان از گزند بیماری‌ها و آفات متداول است، بر اصول و پایه‌های نظری و تجربی گذشتگان استوار است. رنج همیشه قرین آدمی بوده و تلاش برای تسکین آن همواره وجه همت انسان قرار داشته، و این امر آن چیزی است که اساس علم طب را در گذشته و حال تشکیل می‌دهد.

درست است که در منابع تاریخی به مسائل پزشکی و بهداشتی و دارو و درمان بیماری‌ها اشاره‌هایی شده است، ولی تصویر روشنی از وضعیت مراکز بهداشتی و درمانی ایران به‌خصوص از عصر صفویه به بعد ارائه نشده است. یادمان از مسافران و اتباع خارجی مانند شاردن، فریر، دومان، کمپفر، تاورنیه و غیره در دوره صفویه و کسانی مانند فریزر، پولاک، ادوارد ییت، و... در دوره قاجاریه، بنا به دلایل سیاسی یا اقتصادی، آنچه در دلیل دیگری به ایران مسافرت کرده، در یادداشت‌های خود، گزارشی از وضعیت پزشکی و درمانی ایران را نشان می‌دهند. برخی از این افراد، پزشک بوده‌اند، و در مورد طبابت و درمان بیمارستان‌ها و دارالشفاهای موجود آن زمان ایران به ذکر مطالب بیشتر و جزئی‌تری پرداخته‌اند. شخصی مانند شاردن، به مقایسه نحوه عملکرد اروپاییان و ایرانیان در ارتباط با حرفه طبابت و درمان و مکان آن نیز پرداخته‌اند. با توجه به اینکه تبریز و قزوین و اصفهان در دوره صفویه و تهران در دوره قاجاریه مرکز حکومت بوده‌اند، و خراسان نیز در طول دوران صفویه تا قاجاریه، ناامن و دائم در معرض هجوم اقوام مختلف بوده است، ارتباط اروپاییان یا مشهد، نسبت به دارالخلافه‌ها بسیار کمتر بوده است. به همین دلیل اطلاعات مربوط به شهر مشهد و

حرم مطهر و بیوتات آن مانند؛ دارالشفاء کمتر درج شده است. ضمن اینکه باید توجه داشت که اتباع غیرمسلمان در اماکن مذهبی مسلمانان اجازه ورود نداشته‌اند.

تعداد کمی از محققان در ارتباط با تاریخ پزشکی و طبابت در ایران و مراکز درمانی آن مطلب نوشته‌اند. دکتر احمد عیسی بک، پزشک و دانشمند مصری، در *تاریخ بیمارستانات فی الاسلام* حدود سه صفحه مطلب درباره بیمارستان‌های ایران نوشته است، که دیگران نیز همان را تکرار کرده‌اند. کتاب دکتر سیریل الگود انگلیسی، با دو ترجمه فارسی به نام‌های: *تاریخ پزشکی ایران از دوره باستان تا ۱۹۳۴ م.* ترجمه محسن جاویدان و *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های تحت سلطنت شرقی* ترجمه دکتر باهر فرقانی با اندکی تفاوت در نوع ترجمه، اطلاعات خوبی درباره بیمارستان‌های ایران اسلامی به ما می‌دهد. کتاب دیگری با عنوان *طب در دوره صفویه* حاوی اطلاعات مفیدی از پزشکی و درمان این عصر است. وی اشاره بسیار کوتاهی به دارالشفای حرم امام رضا(ع) کرده، که در هر دو کتاب مکرر است. برخی از محققان دیگر، مانند دکتر حسن اجماعی در کتاب *تاریخ بیمارستان‌های ایران از آغاز تا عصر حاضر* و آقای دکتر محمود نجم آبادی و آقای محسن روستایی در کتاب‌های خود در ارتباط با دارالشفای آستان قدس مطالب جذابی ذکر کرده‌اند. در دهه اخیر نیز تعدادی مقاله به وسیله کارشناسان مراکز آرشیوی کشور مانند آقای کریمیان و خانم شهیدی و آقای فاضل هاشمی در این زمینه به چاپ رسیده است.

پژوهش حاضر از نظر مدت زمانی، سه دوره صفویه، افشاریه و قاجاریه را شامل می‌شود. با توجه به اینکه خراسان در دوره زند در اختیار نوادگان نادر شاه افشار بود، به این خاندان اشاره نشده است. با اتکا به اسناد و منابع دست اول آرشیوی مرکز اسناد آستان قدس رضوی، نکات ویژه و مهمی از مجموعه فعالیت‌های درمانی و خدماتی در دارالشفاء را در سه دوره فوق بررسی می‌نماییم، در دوره قاجاریه علاوه بر اسناد از اولین روزنامه‌های محلی خراسان؛ مانند «ادب»، «آگاهی»، «شرق»، «بهار» و... و نسخه‌های خطی مربوط به کتابچه‌های خطی جمع و خرج تحویلداران آستان قدس که در اداره مخطوطات کتابخانه مرکزی نگهداری می‌شود، بهره خواهیم برد.

بررسی و مطالعه اسناد مجموعه آستان قدس رضوی و دارالشفاء نشان می‌دهد که این اسناد از نظر سندشناسی، شامل شکل فیزیکی، مانند: جنس الیاف، قطع، خط، و... متفاوت اند، ولی از نظر موضوع در چند شاخه محدود می‌باشند. ریشه موضوعی اسناد امور مالی و حسابداری در تشکیلات آستان قدس است. عنوان دفاتر مالی و اداری آستان قدس در اوار گذشته، انتظام مهمات و معاملات و تنسیق محاسبات سرکار فیض آثار نام داشته است، ریی موضوعات مختلف این اسناد به چهار گروه، کلی تقسیم می‌شود که هر کدام از این چهار گروه از انواع مختلفی دارند.

گروه اول اسناد؛ مجموعه‌ای از اسناد به نام اوارچه است. این دفتر مخصوص ثبت عواید موقوفات و درآمدهای حاصله از نذورات می‌باشد. با توجه به اینکه تمامی درآمدها و هزینه‌های مجموعه بیوتات آستان قدس رضوی از محل موقوفات و نذورات آن اداره می‌شده است، رسیدگی به امور مالی و جمع و خرج عایدات و هزینه‌های آن برای تحصیل نیات واقعی واقفان لازم و ضروری بود. اسناد زیر برخی از واقفان، بخشی از موقوفات خود را به بیماران و هزینه‌های دارالشفاء اختصاص داده بودند. عملی شدن نیات واقعی واقفان در ارتباط با بیماران دارالشفاء، زمانی میسر می‌شد که به امور مالی آن موقوفه براساس شرایط واقف، رسیدگی لازم انجام شود. به همین دلیل محاسبات مالی مجموعه آستان قدس دارای نظم و انضباط بسیار منحصر به فردی بوده است. اگر غیر از این بود، اکنون این اسناد با قدمت بالای چهارصد سال وجود نداشت. گروه دوم اسناد؛ مجموعه‌ای به نام توجیهات است. در توجیهات بالغ بر سی صیغه برات‌نویسی ذکر شده است. در این صیغه‌ها هر نوع مخارج انجام شده با ذکر نوع خرج و مکان و زمان و میزان وجوه مصرف شده کاملاً مشخص و روشن است. پرداخت وجه به افراد با عنوان‌هایی مانند؛ مواجب، وظیفه، مستمری، مرسوم و غیره انجام می‌شده است. از میزان و مبلغ این قبوض و برات‌های مزایا و حقوق می‌توان به میزان حساسیت، دقت، فعالیت و تأثیر میزان حضور و درجه شغلی افراد و حتی نفوذشان در تشکیلات پی برد.

گروه سوم اسناد، گزارش‌ها و روزنامه‌های جمع و خرج صاحب‌جمعانیوتات سرکار

فیض آثار می‌باشد. در تهیه گزارش روزانه، عملکرد بیوتات مختلف آستان قدس از جمله؛ دارالشفا، دقت زیادی به عمل می‌آمد. پیش‌تر هم اشاره شد که دارالشفا، ابتدا زیر مجموعه شربتخانه، محسوب می‌شد، و گزارش‌های روزانه دارالشفا نیز در روزنامه جمع و خرج بیوتات سرکار فیض آثار، در مجموعه شربتخانه نوشته می‌شد. در این نمونه اسناد، تمامی هزینه‌ها و مخارج انجام شده در هر یک از بیوتات، با ذکر نوع جنس و قیمت و مدار خریداری شده یا مصرف شده از آن و وجه پرداختی بابت اجناس با ذکر تاریخ و مهر مسئول مربوطه آن که صاحب جمع می‌نامیدند، ثبت و ضبط و نگهداری می‌شد. حتی نام بیماران و نوع آرو و مقدار مصرف و قیمت دوا و غذا و هزینه بهای خدمات انجام شده به بیماران یا همراهان آن و حتی کارکنان نوشته و در پایان هر روز جمع می‌گردید. آمار روزانه در پایان ماه، سرازده ماه در پایان سال، جمع‌آوری می‌شده است. این آمار برای مشخص شدن هزینه‌ها و برآورد برنامه‌ریزی بودجه در سال‌های بعد استفاده می‌شد.

گروه چهارم اسناد؛ در مجموعه مقررات برای به کارگیری و استخدام و پرداخت حقوق و مزایای هر فرد، مکاتبه‌هایی انجام می‌شد که در نهایت احکام دستوری خاصی از طرف بالاترین مقام اجرایی وقت (متوکی) صادر می‌شد که در اصطلاح دیوانی «رقم» و «حکم» نامیده می‌شد، براساس این احکام، شروع به کار او، رسمیت می‌یافت و برای گماشته میزان حقوق نقدی یا جنسی به صورت سالیانه مشخص می‌شد. (مانند احکام پرسنلی امروزی و مستخدمان مشاغل). با توجه به مطالب فوق‌الذکر پژوهش پیش رو به چهار بخش جداگانه تقسیم شده است. ابتدا به جهت ورود به بحث دارالشفاى آستان قدس ضمن بررسی واژه بیمارستان و دارالشفا، برخی از دارالشفا‌های ایران بعد از اسلام تا دوره صفویان به صورت اجمالی معرفی و سپس وضعیت سیاسی اجتماعی خراسان در عصر صفوی به صورت کلی مطرح خواهد شد. آنگاه دیدگاه برخی از اروپاییان به مراکز پزشکی و درمانی ایران آن دوره اشاره می‌شود.

در فصل دوم به وضعیت شربتخانه و شربت‌داران، وظایف شربتخانه، بیمارخانه زیر نظر آن و فعالیت‌های مختلفی که در این مکان انجام می‌شده می‌پردازیم. از اطباء معروف

شاغل در بیمارخانه حضرتی به حکیم عمادالدین محمود شیرازی و آثار خطی وی، تأثیر فعالیت‌های وی در دارالشفای حرم مطهر گفته خواهد شد. به جز اطبا و حکمای حاذق شاغل در بیمارخانه به فعالیت و خدمات سایر کارکنان مانند؛ بیمارداران زن و مرد (پرستاران امروزی) و جراحان و سایر کارکنان اشاراتی می‌شود. لیست بخشی از داروهای مصرفی موجود در عطارخانه، و بیماران یک روز و نوع و میزان مصرف غذا و داروی آن‌ها نیز آورده شده است. به ایجاد مکانی با عنوان نفحه‌خانه در دارالشفاء که محلی برای انجام عمل فصد و خون‌گیری، حجامت بوده، با معرفی سند آن اشاره خواهیم کرد. برخی منابع وقتی خاصّ شربتخانه را هم معرفی خواهیم کرد و برای هر کدام از موارد بالا به نمونه‌ای از هزاران سند موجود آن‌ها اشاره خواهد شد.

در فصل سوم، با توجه به وضعیت ناسامان اواخر دوره صفویه و به قدرت رسیدن نادر و اوضاع آشفته خراسان عصر افشاریه، کوتاهی مدت حکومت آن‌ها را به این دوره اختصاص داده و ضمن بررسی وضعیت سیاسی اجتماعی این دوره اطلاعات مربوط به و کارکنان دارالشفاء، مانند دوره صفویه شرح داده شده است.

در فصل چهارم، نگاهی کوتاه به وضعیت سیاسی و اجتماعی خراسان در اواخر عصر افشاریه و هم زمان با به قدرت رسیدن قاجارها، خواهیم داشت. در حوادث مهم هر یک از پادشاهان قاجار اشاره شده، سپس با توجه به ارتباط زیاد متولیان آستان قدس در فعالیت‌های تأثیرگذار بر تاریخ دارالشفاء، به معرفی برخی از این افراد (مانند میرزا موسی خان و میرزا جعفرخان مشیرالدوله) به صورت گذرا اشاره می‌نماییم. نظر مورّخین، سفرنامه‌نویسان، اتباع اروپایی، و روزنامه‌های دولتی و محلی، در مورد دارالشفای آستان قدس تا انقلاب مشروطه بیان خواهد شد. مشکلات مالی و اقتصادی آستان قدس در دوره قاجاریه و رشد چپاول و غارت موقوفات آن، توسط خاندان قاجار و گماشتگان و حکام (که با پرداخت وجوه پیشکش به دربار به پست حکمرانی خراسان دست می‌یافتند) از نظر نگارنده دور نمانده است. در دوره مشروطه، گزارش حیف و میل اموال موقوفه با عنوان لایحه‌ای به کابینه سپهدار تنکابنی منتقل می‌شود و برای مدتی دارالشفاء زیر نظر وزارت اوقاف و معارف از تشکیلات

آستانه مقدسه مجزا و حتی از نظر منابع وقفی و درآمدها مستقل می گردد. اتفاقات عمده‌ای، از جمله ورود یکی از بزرگان تاریخ پزشکی خراسان که کمتر کسی با خدمات ایشان آشناست و بازسازی دارالشفاء به کمک وی و مردم (دکتر امیرخان امیر اعلم رئیس اداره صحیه دولتی، طبیب شخصی احمد شاه قاجار، و داماد وثوق الدوله، رئیس الوزا) خرید لابراتوار، جداسازی بخش‌های مختلف، تهیه اساس‌نامه و آیین‌نامه‌های دارالشفاء و رشد بخش‌های مختلف، ورود به پزشکی نوین و استفاده از داروهای شیمیایی، اختصاص داروخانه و زمینه‌سازی برای ایجاد بیمارستان امام رضا (ع) از مواردی است که در پایان کتاب به آن پرداخته‌ایم.

از همراهان مسر مهربانم و از همکاران عزیزم در مدیریت امور اسناد و مطبوعات آقایان، مهدی مسامی، ناطم جهانگیری، علی سلیمانی، صادق تجویدی، و سرکار خانم عرفانیان در بخش اطلاع‌رسانی، اسناد جهت ارائه خدمات آرشیوی و همچنین از سرکار خانم فاطمی مقدم و موسوی در بخش تهیه اسناد جهت همکاری، و همراهی و همچنین از همکاران بخش ارزشیابی اسناد آقایان مهدی خانی‌زاده، حسن محمدی، احمد حیدریان، غلامرضا آذری خاکستر و پیمان ابوالبشر، سرکار خانم محترم شکوه السادات سمیعی و خانم سعیده جلالیان کارشناس پژوهش اسناد و سرکار خانم الهه محبوب کارشناس محترم پژوهش مدیریت اسناد از راهنمایی صمیمانه سپاس‌گزار می‌نمایم.